

نمادشناسی در معماری مساجد ایرانی از رویکرد مطالعات فرهنگی

عارف عزیزپور شویی^۱، مینو قره‌بگلو^۲، احد نژاد ابراهیمی^۳، محمدعلی کی‌نژاد^۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۲۶، تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۴/۲۹

چکیده

مسجد به عنوان مهم‌ترین نهاد دینی و فرهنگی، نخستین کانون نیایشی و اجتماعی در جامعه مسلمین بوده است. از آنجایی که فضای کالبدی ریشه در فرهنگ یک جامعه دارد، از این رو معماری مساجد، در هر فرهنگی پروژدهنده نمادهای فرهنگی آن جامعه می‌باشد. معماری مسجد ایرانی علاوه بر حل چالش‌های فرمی و سازگاری با زمینه در تمام نقاط جغرافیایی، به هویتی مشخص و تداوم‌یافته دست یافتند که یک شاخص هویت شکلی مسجد را به مخاطبان ارائه می‌نمود، ولی با تغییر الگوهای فرهنگی بر اثر گرایش به نوگرایی براساس مدرنیزاسیون جوامع، هویت کالبدی مساجد معاصر دچار گسست شده است. این پژوهش، با رویکرد مطالعات فرهنگی و روش توصیفی تحلیلی به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که مساجد به عنوان یک محصول فرهنگی چه نسبتی با نماد و نشانه‌های کالبدی در بستر فرهنگ ایرانی دارند؟ و در بستر فرهنگی ایران چه نماد و نشانه‌های در معماری مساجد جای گرفته است؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شکل‌گیری نماد در معماری باعث ایجاد هویت، قلمرو فرهنگی در یک سرزمین می‌شود. نمادهای مساجد مجموعه‌ای از کنش‌های فرهنگی است که از طریق بازنمایی در کالبد، مفاهیم را منتقل می‌کند. عناصر مشترکی از طریق فرایند بازنمایی نمادهای فرهنگی در ذهن مخاطبان شکل می‌گیرد، کنش‌های یکسانی را در ذهن شکل می‌دهد که این امر در شکل‌دهی تعاملات اجتماعی برای دستیابی به امت واحده دارای اهمیت است. در ارزیابی انجام شده از بازنمایی مساجد چهار دوره، مساجد دوره سنت کاملاً و مساجد دوره سکولار نسبتاً با مؤلفه‌ها و ویژگی‌های بازنمایی در مساجد سازگاری داشته‌اند. اما در ارزیابی مساجد دوره‌های انقلابی و انتقادی، مشخص شد که این ویژگی‌ها از طراحی کنار گذاشته شده است.

واژگان کلیدی: مسجد، فرهنگ، نمادهای کالبدی مساجد، بازنمایی مفاهیم فرهنگی.

۱ دانشجوی دکتری معماری اسلامی در دانشگاه هنر اسلامی تبریز؛ a.azizpour@tabriziau.ac.ir

۲ استاد دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول)؛ m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

۳ استاد دانشگاه هنر اسلامی تبریز؛ ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

۴ استاد دانشگاه هنر اسلامی تبریز؛ ma_kaynejad@tabriziau.ac.ir

این مقاله مستخرج از گزارش پژوهشی نویسنده اول برای درس «سبک زندگی اسلامی و شکل‌گیری معماری» در مقطع دکتری رشته معماری اسلامی است که تحت نظر سایر نویسندگان در دانشگاه هنر اسلامی تبریز به انجام رسید.

مسجد نمونه بارز تلفیق فرم‌های نمادین و جلوه‌های زیبایی در باورهای اعتقادی است که معماری آن حامل نشانه‌ای مفهومی است و ارتباط با خدا را در ذهن تداعی می‌کند (کریمی و دادور، ۱۳۹۹: ۳۳۷). از آنجایی که یکی از ارکان شهر اسلامی مسجد است، بعد از ورود اسلام به ایران، مساجد از عناصر سازنده شهر ایرانی شدند که علاوه بر کارکرد مذهبی، به عنوان فضاهای عام‌المنفعه کارکردهای مختلفی را در خود جای دادند که یکی از برجسته‌ترین کارکردهای آن تأمین نیازهای اجتماعی برای تقویت روابط اجتماعی و ایجاد اتحاد در جامعه می‌باشد. بنابراین حیات اجتماعی اسلام و مسجد با یک‌دیگر پیوندی ناگسستنی دارند (خالقیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۰).

از آنجا که فضای کالبدی از یک سو متناسب با بستر فرهنگی، اندیشه‌ها، رسوم، سنن و ارزش‌های زیستی شکل یافته است و از سوی دیگر برخاسته از آیین‌ها، اسطوره‌ها، صورت‌های مثالی و اندیشه‌های ملی در شکل‌گیری فضای کالبدی نمود پیدا می‌کند (اردلان و بختیار ۱۳۸۰). مساجد ایرانی نیز به عنوان یک محصول اجتماعی - فرهنگی، در طول زمان و در یک بستر تاریخی به یک نوع معماری تعریف شده و نمادین در جغرافیای فرهنگی ایران دست یافت. از آنجایی که مسجد به عنوان فضای اصلی عبادی در جامعه اسلامی باید پاسخگوی نیاز روحانی انسان در ارتباط با خدا باشد، ساختار و ظاهر معماری مسجد در دوران قبل از مدرنیته از پایبندی به ساختاری سرچشمه می‌گرفت که علاوه بر سازگاری با زمینه در تمام نقاط جغرافیای، با حل چالش‌های فرمی و تکنولوژی ساخت زمانه خود، به هویتی تداوم یافته و گسترده دست‌یافته بودند که خود را به عنوان مسجد به مخاطب می‌شناسند که این مسئله به عنوان نماد و نشانه شناخته می‌شود.

اما توجه بیش از حد به عملکرد در دیدگاه مدرن، بسیاری از وجوه ادراکی فضاهای معماری را در مخاطب کمرنگ کرده است (فلاح و نوحی، ۱۳۹۱) که می‌توان به دلیل گسست از ساختار کالبدی مساجد گذشته دانست، نمود آن در معماری مساجد معاصر مشاهده کرد که یک مخاطب بدون آگاهی از کاربری آن نمی‌تواند به این درک برسد که مشاهده‌گر یک فضای عبادی اسلامی است، همچنین این مساجد نمایشگر فضای روحانی مساجد گذشته نیستند که این مسئله، در تصاویر قرار گرفته در جدول شماره ۲ مشهود است. از آنجایی که وجود نماد و کاربرد آن در یک فرهنگ دارای اهمیت است و بر وجوه هویتی یک سرزمین دلالت دارد و یک شاخص

مکانی - فضایی برای تاریخ، فرهنگ و ارزش‌ها و شکل‌دهندهٔ هویت را بازتاب می‌دهد. این پژوهش سعی دارد تا به اهمیت بکارگیری نماد و وجوه نمادین مساجد ایرانی بپردازد.

روش پژوهش

این پژوهش سعی دارد تا با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس رویکرد مطالعات فرهنگی به مقوله هویت ملی مساجد ایرانی بپردازد که محوریت این پژوهش بر اساس این پرسش‌ها شکل گرفته است: ۱- مساجد به عنوان یک محصول فرهنگی چه نسبتی با نماد و نشانه‌های کالبدی در بستر فرهنگ ایرانی دارند؟ ۲- در بستر فرهنگی ایران چه نماد و نشانه‌های در معماری مساجد جای گرفته است؟

برای پاسخگویی به این سؤالات، بعد از بررسی پیشینهٔ پژوهش، ابتدا به مبحث رویکرد مطالعات فرهنگی در مطالعه نماد پرداخته می‌شود تا جایگاه و مشخصه‌های آن در فرهنگ مشخص شود. پس از استخراج مؤلفه‌های مطالعات فرهنگی در رابطه با نماد یعنی «کنش» و «بازنمایی» به بازشناسی مسجد به عنوان یک محصول فرهنگی پرداخته می‌شود؛ در این قسمت کنش‌های اکه در مسجد رخ می‌دهد مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بر اساس کنشهای اصلی که می‌بایست در مسجد رخ دهد، بازنمایی در مسجد شناخته شود، و بر اساس مؤلفه‌های استخراج شده در این قسمت ویژگی نماد در مساجد ایرانی تبیین می‌شود و در نهایت براساس ویژگی‌های تبیین شده نماد در مساجد ایرانی منتخب اعتبار سنجی می‌شود.



تصویر ۱. ساختار پژوهش. ماخذ: نگارنده).

مرور پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت جایگاه مسجد در معماری اسلامی، پژوهش‌های متعددی به آن پرداخته‌اند. خالقیان و همکاران (۱۴۰۰) به عوامل فرهنگی - اجتماعی تأثیرگذار بر مانایی مسجد جامع عتیق اصفهان را مورد بررسی قرار دادند که پنج عامل حضورپذیری، مشارکت‌پذیری، فرهنگ‌بانی‌گری،

وقف، تغییرپذیری و روزآمدی را دلیل مانایی این مسجد یافتند. کریمی و دادور (۱۳۹۹) به تحلیل نشانه‌شناسی عناصر معماری در مسجد جامع اصفهان بر اساس نظریه امبرتو اکو^۱ پرداختند که در این مقاله، وجه سمبلیکی عناصر در این مسجد شرح داده شد. رحیمی اتانی و همکاران (۱۳۹۹) به بازخوانی مسجد ولیعصر تهران با تکیه بر مدل بینامتنیت پرداخته‌اند که در آن لایه‌های تاریخی، بافت قرارگیری مسجد، زمینه فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی ساختار فضایی سه دوره مساجد ایرانی که شامل مسجد عتیق، مسجد دانشگاه تهران و مسجد شهرک غرب می‌شود با استفاده از روش نحو فضا پرداختند. اشرافی (۱۳۹۸) به بازشناسی ساختار مساجد ایرانی بر اساس کهن‌الگوی چلیپا با تکیه بر مفهوم «توحید» می‌پردازد و بیان می‌دارد که الگوی چلیپا در وحدت بخشیدن به ساختاری فضایی مسجد نقش مهمی داشته و ریشه در معماری قبل از اسلام دارد. نژاد ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۷) عوامل مؤثر در ارتباط و نشانه‌شناسی را در معماری مسجد کبود تبریز مورد بررسی قرار دادند. مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷) مؤلفه‌های کالبدی و تأثیر آن در درک «حس معنویت» در معماری داخلی مساجد را مورد بررسی قرار دادند. سلطانی‌فرد و سیدمرادی (۱۳۹۵) جایگاه مسجد در بافت شهری قدیم را به واسطه‌ی نقش و عملکردی که مسجد داشت؛ مورد بررسی قرار دادند. سلمانی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی اهمیت فضای باز در مسجد می‌پردازند. منان رئیسی و نقره‌کار (۱۳۹۳) به چگونگی هندسه‌ها و فضاهای مناسب برای کاربری در مساجد با استفاده از متون دینی و به‌طور مشخص شیعی در دو دسته مساجد سنتی و نوگرایی تهران پرداخته‌اند. حمزه‌نژاد و عربی (۱۳۹۳) به چگونگی انطباق شکل و کالبد مساجد جدید با مبانی نظری خاص مساجد در حکمت اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهند. مهدوی‌نژاد و مشایخی (۱۳۸۹) نیز به اصول طراحی مسجد از دیدگاه کارکردی پرداخته‌اند. زرگر و همکاران (۱۳۸۶) در کتاب راهنمای طراحی مساجد به کارکرد مساجد، معماری مساجد تاریخی و معاصر و برنامه‌ریزی فضایی مساجد پرداختند. Allahham (۲۰۱۹) به بررسی دگردیسی اتفاق افتاده در مفهوم قداست و تأثیر آن در جایگاه مسجد به لحاظ نشانه‌شناسی با تمرکز بر مساجد اعظم می‌پردازد و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مساجد معاصر با «زوال نشانه‌شناسی» روبه‌رو هستند. Alice Sabrina Ismail (2018) هویت ملی مساجد دولتی مالزی را مورد بررسی قرار می‌دهد. Farrag (2017) این مقاله به معماری مساجد در کشورهای غیرمسلمان می‌پردازد و بیان می‌دارد که

1 Theory of Umberto Eco

مهاجران مسلمان مساجدی با همان خصوصیات کشورهای مبدأ خودشان را می‌سازند تا حضور مسلمانان را در یک بستر چندفرهنگی بیان کنند. با توجه به جایگاه والای مسجد در معماری ایران و جهان اسلام، پژوهش‌های متعدد به جنبه‌های مختلف آن پرداخته‌اند. از آن رو که معماری بیش از هر چیز محصول فرهنگ جامعه است و تابع‌حال پژوهشی مشاهده نشده که به معماری مسجد از دیدگاه فرهنگی با تأثیر متقابل آن بر معماری بپردازد. چون رویکرد مطالعات فرهنگی این امکان را می‌دهد تا تأثیر متقابل کنش در بازنمایی نماد در مسجد مشخص شود، این پژوهش سعی دارد تا مقوله معماری مسجد را بر اساس رویکرد مطالعات فرهنگی مورد بررسی قرار دهد و به وجوه نمادین معماری مساجد ایرانی بپردازد تا ویژگی‌های نمادین معماری مساجد ایرانی از لحاظ هویت ملی استخراج شود و امکان اعتبارسنجی وجه نمادین مساجد ایرانی فراهم بشود.

رویکرد مطالعات فرهنگی در مطالعه نماد

انسان‌ها با نمادسازی نوعی محدوده و قلمروسازی برای فرهنگ خود ارائه می‌دهند. معمولاً فرهنگ‌های مختلف برای نشان دادن ویژگی‌های فرهنگی خود، نمادسازی و ساختن الگوهای دلالتی، بر پر رنگ کردن تمایزات فرهنگ خود از سایر فرهنگ‌ها تأکید می‌کنند (فیاض و همکاران ۱۳۹۰). نمادها در شهر توسط همگرایی با هنجارهای اجتماعی - فرهنگی که از پیدایش هسته اولیه شهر تاکنون حضور داشته و مشتمل بر اعتقادات و باورها، فرهنگ و آداب و رسوم، آئین‌ها و رسوم ملی و مذهبی و ارزش‌های حاکم بر جامعه نمود می‌یابد (ماجدی و زرآبادی ۱۳۸۹). قرار گرفتن در معرض روزمره «علائم و نمادها» و تکرار مشاهدات در کیفیت و ماندگاری و «رمزگشایی پایداری تمدنی» تأثیر می‌گذارد. حس تعلق قوی، دلبستگی‌های عمیق بومی و احساس عضویت در یک ملت، تمدن و یا اقلیم فرهنگی معین بستگی به فرایندهای تعاملی فرد و گروه با علائم و نمادهای فرهنگی دارد (عاملی ۱۳۸۵).

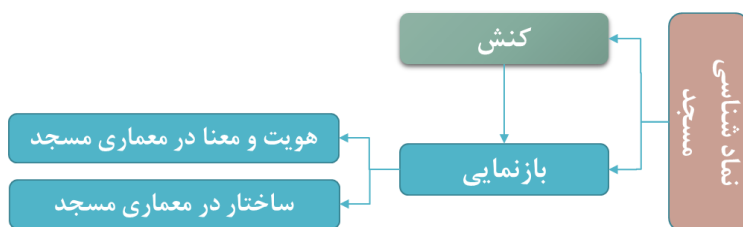
بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد (صحیفه نور، ج ۱۵: ۱۶۰). فرهنگ عبارت از معناها و نقشه‌های مفهومی و ذهنی مشترک که به مثابه فرایندی سیاسی - تاریخی بر سازنده‌ی زندگی روزمره است (هال، ۱۳۹۱: ۳۷) و همچنین گیرت‌ز فرهنگ را الگوی تاریخی انتقال یافته از معنا می‌داند که در قالب نماد تجسم یافته، و یک

نظامی از ادراکان موروثی است که در اشکال نماد گونه بیان شده و به واسطه آن انسان‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (صالحی امیری و عظیمی دولت آبادی، ۱۳۹۴). مقوله فرهنگ صاحب تاریخ است، در این دیدگاه، فرهنگ چیزی جز نظام معنا یا نمادهای معنادار یا معانی نمادین نیست. تاریخ فرهنگی بخشی از فرایند «چرخش فرهنگی» و اهمیت یافتن فرهنگ در دانش‌های مختلف انسانی و اجتماعی است. (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲۸). مورخان فرهنگی در پی نشان دادن بخش‌های مغفول و لایه‌های زیرین و درونی رویدادهای گذشته هستند (شهیدی مارنی و قیومی بیدهندی، ۱۳۹۲). برک^۱ «بازنمایی» و «کنش» را دو مشخصه اصلی تاریخ فرهنگی می‌داند (برک، ۱۳۸۹: ۹۳).

کنش عبارت از تمام رفتارهای انسانی است که در آن فرد کنشگر معنای ذهنی به رفتارش نسبت می‌دهد (کرایب، ۱۳۸۲: ۹۳-۹۴). بنابراین، کنشگر باید معنای ذهنی برای آن داشته باشد و کنش او معطوف به سوی فعالیت‌های مردم دیگر باشد. در قلمرو کنش، اشیاء هنگامی از وضوح عقلانی برخوردارند که بشود به درک فکری کامل و روشنی از عناصر کنش در بافت معنایی مقصوده نائل شد (وبر، ۱۹۶۴: ۹۰-۹۱؛ به نقل از بلیکی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

بازنمایی از مفاهیم اساسی تاریخ فرهنگی است به این معنا که هر متن یا تصویری از یک اثر معماری بر اساس دیدگاه‌ها و باورها و علایق راوی یا عکاس، وجوهی از اثر را برجسته می‌کند (شهیدی مارنی و قیومی بیدهندی، ۱۳۹۲: ۱۰۰). بازنمایندن چیزی عبارت است از توصیف یا تصور چیزی به ذهن آوردن آن از طریق توصیف و یا تصویر کردن با نماد یا نماینده، نمونه (هال، ۱۳۹۱). در واقع، بازنمایی عبارت است از کاربرد زبان نشانه‌ها و تصاویر که نماینده یا معرف چیزها هستند. بازنمایی بخش اصلی فرایندی است که به واسطه آن فرایند، معنا تولید و میان اعضای یک فرهنگ مبادله می‌شود (هال، ۱۳۹۱). که از طریق اندیشیدن رخ می‌دهد. اندیشیدن سازمان دادن و تجدید سازمان ذهنیت گذشته، جهت استفاده از آن در موقعیت فعلی است (پوردیپیمی، ۱۳۹۴: ۳۹). نظریات بازنمایی در سه دسته برساخت‌گرایی، بازتابانه و بازنمایی جای می‌گیرد. نظریه بازنمایی هدفمند که معنا را امری بین‌الادھانی می‌پندارد، در طی فرایند تعامل ساخته می‌شود (فاضلی، ۱۳۹۳: ۶۲). به‌طور کلی، بازنمایی گاه بر مسئله هویت و معنا و گاه بر یک ساختار دلالت می‌کند (شارتیه، ۱۳۷۷).

بازنمایی و کنش با یکدیگر رابطه متقابل دارند و به وسیله نماد بروز پیدا می‌کنند، بدین صورت که انسان برای برقراری ارتباط با جهان پیش‌روی خود، نمادها را می‌سازد. انسان بدین طریق نظام‌های از صورت‌های نمادین شکل می‌دهد و در نظام نمادهایی که ساخته خود اوست، زندگی می‌کند (مصلح، ۱۳۹۳). دو کارکرد مهم نماد در عرصه معماری و زیستگاه اجتماعی او «بیان معنا» و «ایجاد حس هویت» می‌باشد (مزینی، ۱۳۸۱). انسجام اجتماعی وقتی رخ می‌دهد که عواطف افراد به وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شوند؛ جایی که افراد متصل به جامعه، اجتماعی شده باشند (حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۱: ۴۳).



تصویر ۲، مدل مفهومی در نمادشناسی مسجد. ماخذ: (نگارنده).

بازشناسی مسجد به عنوان محصول فرهنگی

معماری به عنوان یک محصول فرهنگی بر اساس تفکر، عقاید و فلسفه محلی‌اش در نقاط مختلف جهان بیان‌های مختلفی به خود گرفت که معمولاً ارتباط مکان با خلق آن را بازتاب می‌دهد (Majerska-Paľubicka, 2020). مسجد یکی از آشکارترین وجوه هویت فرهنگی در جامعه و شهر اسلامی هست که در هر دو جنبه هویت ظاهری و معنوی، نقشی بنیادین را عهده‌دار است (پورجعفر، ۱۳۷۶). ایجاد شکاف در تولید عصر حاضر با سیر تکامل معماری، موجب ناخوانایی گردیده است (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰). بنابراین لازم است تا برای بازگرداندن جایگاه هویتی آن، ابعاد مختلف فرهنگی مسجد به عنوان یک محصول فرهنگی مشخص گردد.

کنش - مسجد

کنش‌های که در مسجد رخ می‌دهد را می‌توان در چهار دوره (سنتی، سکولار، انقلابی و انتقادی) تعریف کرد، در هر دوره تاریخی هر یک از جوامع اسلامی بر این باور بوده‌اند که قرائت و فهم آنان از مسجد متناسب و در امتداد گفتمان سنتی بوده است و سعی داشته‌اند که گفتمان سنتی به مثابه گفتمان اصیل و مرجع همواره بازتولید شود. (فاضلی، ۱۳۸۷).

جدول ۱. گفتمان‌های مسجد. ماخذ: (فاضلی، ۱۳۸۷). تنظیم: (نگارنده)

گفتمان	دوره	توضیح
سنتی	قبل از مدرنیته	هدف عالی مسجد به مثابه نهاد دینی و فرهنگی با کارکرد نیایشی و اجتماعی متعدد است. در این گفتمان مسجد کانون اصلی جامعه‌ی اسلامی شناخته می‌شود و به همین دلیل معماری مساجد به گونه‌ای بود که بتواند کارکرد عبادی و اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد.
سکولار	(دوران پهلوی)	مسجد یک مرکز دینی است که افراد به نحوه داوطلبانه و خودمختارانه به آن می‌پیوندند و نه خود هیچ اجبار و اکراهی را در چارچوب فعالیت‌های مسجد می‌پذیرد و نه اجبار و اکراهی را بر دیگران تحمیل می‌کند. از منظر این گروه، مسجد صرفاً کارکردی نیایشی داد و آن را پایگاهی برای مشارکت سیاسی نمی‌شناسند.
انقلابی	از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰	بر اساس قرائت امام خمینی (ره) و روشنفکران دینی مانند دکتر علی شریعتی آغاز شد و مساجد به مثابه‌ی کانون‌های برای فعالیت سیاسی، تبلیغ انقلابی، اصلاح جامعه و کانونی برای هدایت افکار عمومی تلقی می‌شد.
انتقادی	بعد از سال ۱۳۷۰	در این گفتمان جمعیت مسجد رو در این سال‌ها کاهش یافته است. دلایل آن در دو حوزه سیاست‌های حاکم بر مسجد و عدم توجه به معماری مسجد می‌توان تقسیم کرد.

کنش عبادی: نیایش و عبادت در اسلام چیزی همتر از دیگر کارهای انسان نیست. بلکه همان‌گونه که در معارف اسلامی آمده، هدف از آفرینش انسان عبادت است (نقره‌کار، ۱۳۹۴، ۳۶۶). هرچند که در دین اسلام برخلاف دین‌های دیگر، در هر جای پاکی می‌توان نماز برپا کرد و به عبادت خداوند پرداخت، با این همه خداوند مسجد را به عنوان جایگاهی برای نمازگزاردن و یاد خدا تعیین کرده است. نکته مهمی که درباره واژه مسجد و رابطه آن با ساختمان مسجد باید گفت این است که نامگذاری نیایشگاه مسلمانان به مسجد نشان‌دهنده آن است که از میان جمیع ارکان نماز، سجده چون نقطه اوج خشوع و خضوع بنده در برابر حق تعالی شمرده می‌شود (حاجی ابراهیم زرگر و همکاران، ۱۳۸۶: ۹-۱۲).

کنش اجتماعی: مسجد از زمان ظهور اسلام مهم‌ترین و اصلی‌ترین کانون اجتماعات بوده است (حبیبی و اهری، ۱۳۷۷). تعامل اجتماعی که زمینه برقراری مشارکت و افزایش روابط اجتماعی سازنده شاکله هویت افراد اجتماع را فراهم می‌سازد (نژادابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵). دین اسلام برای رفتار قانونمند یک مسلمان در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی، استانداردهای به عنوان «قوانین اسلام» در نظر گرفته است (مرتضی، ۱۳۸۷: ۲۳). تعاملات اجتماعی تحت عنوان «امت واحده» بسیار جایگاه والایی در اسلام داد و در آیه ۱۰۳ سوره آل

عمران به آن اشاره شده است. جوادی آملی هم در این رابطه بیان دارد که هیچ فرقه و ملتی یافت نمی‌شود که پایدار مانده باشد مگر با داشتن جامعه‌ای مستحکم (جوادی آملی، ۱۳۹۱).

اولین معنایی که در ارتباط با کالبد معماری همان کنش و علت پدید آمدن آن است. پس کارکرد یک بنای معماری همان دریافت مستقیمی است که مخاطب با توجه به زمینه فرهنگی‌اش از بنا درک کرده است (کریمی و دادور، ۱۳۹۹: ۳۴۰). علاوه بر کنش‌های عبادی و اجتماعی، بر اساس زمان و منطقه کنش‌های دیگری نیز در مسجد اتفاق می‌افتد که شامل کنش‌های آموزشی، اقتصادی و سایر کنش‌های جانبی است، اما چون این کنش‌ها جزو کارکردهای اصلی مسجد نبوده است، و در طول زمان بصورت مداوم نبوده و جامعیت ندارند، در این بخش فقط کنش‌های عبادی و اجتماعی به عنوان کنش‌های تأثیرگذار در بازنمایی مسجد مورد بررسی قرار گرفتند.

بازنمایی در مسجد

همانطور که بیان شد، کنش و بازنمایی رابطه متقابلی با یکدیگر دارند و معانی مشترک در ذهن افراد، باعث کنش مشترک می‌شود. از این رو، برای دستیابی به تعاملات اجتماعی پایدار است تا معانی مشترکی را از طریق فرایند بازنمایی به ذهن مخاطبین انتقال یابد که این فرایند بازنمایی از طریق طرح‌واره‌ها که در شکل نماد تجسم می‌یابند، شکل می‌گیرد. بر این اساس، کنش اجتماعی و عبادی دو مؤلفه مهم در استخراج مؤلفه‌های بازنمایی هستند.

ساختار در مساجد: ساختار مجموعه کاملی از روابط است که در آن عناصر ممکن است تغییر کنند، اما به ترتیبی که وابسته به کل باقی بمانند و معنای خود را حفظ کنند (اهری، ۱۳۹۵: ۵۰). ساختار در معماری ایرانی به عنوان حلقه واسطه وجه ملموس و غیرملموس معماری، سازمان یافتگی و الگوی فضایی بود که واقعه‌ها و عملکردهایی که هست بودن در آنها تحقق می‌یافت را قابل حصول می‌کرد. این ساختار شامل سلسله مراتب، محوریت مرکزگرا و جهت‌گرا بوده است (تقوایی، ۱۳۸۶). اگر مسجد پیامبر را به عنوان معیار قرار گیرد، مشخص می‌شود که فرم خاصی برای مسجد در دین سفارش نشده است. بلکه هر مکانی که قابلیت اجتماع و نماز خواندن به سمت کعبه را داشته باشد، می‌تواند مسجد باشد. از این رو، ویژگی‌های اصلی مساجد که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری ساختار و اجزا و نیز کلیات آن دارد، مؤلفه محوریت (سازماندهی بر اساس قبله) و اجتماع‌پذیری است (متدین، ۱۳۸۶: ۴۰).

بازتاب مفهوم امت یا یکپارچگی اجتماعی در بین مردم به عنوان هدف اسلام، اصلی اساسی در برنامه ریزی و ساماندهی «ساخت محیط» به حساب می‌آید. بنابراین، ساخت محیط بایستی اجتماع پذیر بوده و یا اینکه زمینه تقویت روابط و تعاملات اجتماعی را مهیا نماید (مرتضی، ۱۳۸۷: ۹۵). اجتماع پذیری مکان مؤلفه‌های گوناگون دارد که در بحث کالبدی می‌توان به تامین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم و خونایی و قابل پیش‌بینی بودن فضا اشاره کرد (دانشپور، ۱۳۸۶؛ به نقل از سجادزاده و همکاران، ۱۳۹۴).

هویت و معنا در مساجد: هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها مورد شناسایی قرار بدهد" (لینچ، ۱۳۷۶). زمان تحت عنوان حافظه تاریخی، عمیق‌ترین لایه هویتی را تشکیل می‌دهد. «کهن الگو» یونگ هسته اساسی این لایه عمیق هویتی است (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). نظام حافظه همان نمود فرهنگی تاریخ است. (همان: ۱۷۵). کهن الگو را می‌توان نوعی «نظام آمادگی دانست که ذهن به نشانه‌های محیطی واکنش نشان می‌دهد». (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۱). درک ما از هویت خودمان از طریق نشانه‌ها تثبیت می‌شود و با اینکه فرایندهای نشانه‌شناختی به شکل جبرگرایانه هستی ما را تعیین نمی‌کند، اما بیش از آنکه فکرش را بکنیم هویت ما را شکل می‌دهد (افضل‌طوسی و حسن‌پور، ۱۳۹۱).

در جهان‌بینی اسلام، توجه به مفاهیم و باطن پدیده‌های عالم در شکل‌گیری و پیشبرد علوم نقش بسزایی داشته است. (نوشین و همکاران، ۱۳۹۸) و از آنجایی که علوم و فنون در اسلام بر پایه وحدت بنا شده‌اند (نصر، ۱۳۶۶: ۲). هندسه عنصری وحدت‌گراست که استعداد و صفات ویژه‌ای در آن نهفته است که آنها را مستعد نقش رمزی و سمبلیک کرده است (اکبری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). آن چیزی که مستقیماً در اسلام برای معنای معماری مسجد اشاره شد سر نبایدها است. برای نمونه طراحی و ساخت مسجد و تزئینات آن، اگر سبب ترویج فرهنگ بیگانه باشد، حرام است (استناد به احکام استفتائات دفتر مقام رهبری، ص ۲۰-۲۱؛ به نقل از حاج ابراهیم زرگر و همکاران، ۱۳۸۶).

تبیین ویژگی مؤلفه‌های نماد در معماری مساجد ایرانی

نمادهای معماری ارزش‌های اجتماعی، تاریخی و معنوی که در پس کالبد پنهان است را به‌نمایش می‌گذارد (Jones, 2020: 66). ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی از راه‌های مختلفی بر

معماری تأثیر می‌گذارد و آن را شکل می‌دهند. این ویژگی‌ها اغلب پس از گذشت زمان، تبدیل به میراثی معنوی، تاریخی و فرهنگی می‌شوند. اهمیت این میراث تا بدان جاست که جامعه را و می‌دارد تا آنها را حفظ کند و تداوم ببخشد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳). از آنجا که اولین گام برای حفظ و تداوم میراث فرهنگی، شناخت آن است. در این قسمت به شناخت ویژگی‌های مؤلفه‌های استخراج شده پرداخته می‌شود. همچنین برای جلوگیری از تکرار، مؤلفه‌های که با یک‌دیگر همپوشانی دارند، باهم ادغام شدند.

کهن الگوهای ذهن آشنا مسجد: مساجد ایرانی ویژگی بارز خود را با دو عنصر بسیار کهن از معماری پیش از اسلام غنی کردند (پوپ، ۱۳۸۸: ۷۸). غنی کردن شبستان ستون‌دار مسجد با گنبدخانه و ایوان صورت گرفت (هیلن‌براند، ۱۳۸۹: ۱۲۰). به‌طور کلی فضای معماری ایرانی از گذشته دور حاصل مجاورت و همسایگی سه ریز فضای اتاق، ایوان و حیاط بوده است. این سه ریزفضا را می‌توان به ترتیب در سه گونه فضای بسته، سرپوشیده و باز جای داد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵). گنبد از عناصر مؤثر در شکل‌گیری مساجد در دوران مختلف است؛ این عنصر در زمینه شکل‌دهی مفهومی و نماد گونه نقش بارزی در مساجد دارد (بمانیان و سیلوایه، ۱۳۹۱). «ایوان» را می‌توان یک فیلتر بین فضای باز و بسته دانست که از ویژگی‌های معماری شیوه پارتی به شمار می‌رود (نظیف، ۱۳۹۲: ۵۲).

مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی مؤلفه‌های «حس معنوی» در معماری مساجد ایران را مورد ارزیابی قرار دادند که نتایج حاصله از آزمون‌های مورد استفاده در این پژوهش در راستای مؤلفه‌های تأثیرگذار کالبدی بر ایجاد حس معنوی در معماری مساجد نشان داد که مؤلفه تزئینات، فرم، تناسبات بر ایجاد حس معنوی تأثیر گذاراند. همچنین این پژوهشگران در مقاله دیگر (۱۳۹۷) برای ایجاد حس معنویت در مسجد، توجه به اصول معماری سنتی را برای برانگیختن حس معنویت توصیه می‌کنند. همچنین نتایج پژوهش مهوش و مرادپور (۱۳۹۵) پنداشت‌های ذهنی مردم درباره تصویر مطلوب مسجد امروزی نشان داد که صحن گنبد و مناره مهم‌ترین عناصر کالبدی مسجد شمرده می‌شوند.

موقعیت قرارگیری: از نظر فضایی - کالبدی مسجد جامع در هسته مرکزی و محور اصلی شهر ساخته می‌شد و بازار به عنوان مرکز معیشت مردمی و فعالیت‌های صنفی معمولاً در جوار مسجد جامع قرار داشت (سلطانی فرد و سید مرادی، ۱۳۹۵: ۱۰۸). البته گاهی نیز در احداث محلات یا شهرها ابتدا مکان مسجد تعیین می‌شد و بعد عناصر و فضاهای شهری نسبت به آن

استقرار می‌یافتند (نقی‌زاده، ۱۳۹۲؛ به نقل از سجادزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴). نصر در این مورد بیان دارد که «یک مکان مقدس، قطبی است که فضای اطراف را گرد خود متمرکز می‌سازد» (نصر، ۱۳۷۳: ۶۲).

قلمرو و سلسله‌مراتب فضایی: همواره در مساجد ایران تلاش می‌شد تا به عنوان یک کالبد معنوی، درون را از گزند و آسیب‌های بیرون در امان نگه دارند در نتیجه به عنوان معماری کاملاً درون‌نگرا مطرح می‌شود (ناظر و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۸). درونگرایی با تعبیر کالبدی رایج آن یعنی فضای بسته حول یک فضای باز مرکزی هست که تنها یک راه حل برای یک مفهوم کلی‌تر و دید کلان‌تر اسلام به محیط کالبدی به عنوان بستر ظهوری جامعه اسلامی است (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶). حذف صحن از معماری مسجد و ایجاد ارتباط مستقیم و بی‌واسطه بین بیرون و درون مسجد در طرح‌های معاصر، نظم سلسله‌مراتبی گذار مؤمن از بیرون به درون را به شدت تحت تأثیر منفی قرار داده است (همان: ۳۵). همچنین حضور حیاط به عنوان یک فضای تهی در دل مساجد نمود مرکزیت و انعکاس القای حس مکان است (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۶۸). این اصل بیان‌کننده جنبه سلسله‌مراتبی دسترسی از بیرون به درون است (آزادی و تقی‌پور، ۱۳۹۶). سلسله‌مراتب حرکت در فرم معماری مسجد در ابتدا با صحن به عنوان فضای باز؛ و ایوان به عنوان یک مفصل ارتباطی و فضایی نیمه‌باز مطرح است و در نهایت این حرکت گنبدخانه با فضایی کاملاً بسته قرار می‌گیرد (ایمان طلب و گرامی، ۱۳۹۱).

هندسه مسجد: در طراحی مسجد نوعی نظام تناسبات و جانمایی شبستان مسجد وجود دارد که بر اساس حیاط سامان می‌یابد (توکلیان و بهمنی، ۱۳۹۴). اولین اصل معماری ایران، مردم‌واری است که به معنای داشتن مقیاس انسانی است. در معماری‌های کلان و عام‌المنفعه، ابعاد انسانی گاه در مقایسه با عظمت الهی و گاه با توجه به محیط اطراف و اجتماع آن مطرح شده است (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰: ۲۰). شرط اولیه برای مسجد، فراهم آوردن فضای مناسب برای ردیف‌های نمازگزاران است که به سوی قبله می‌ایستند (الاسعد، ۱۳۷۶: ۵۳). اصولی دیگری که همواره مدنظر معمار سنتی بوده است؛ توجه بر تأکید محورهاست. «محور» خطی است گاه از بهم پیوستن دو نقطه مهم در بنا پدید می‌آید؛ مانند دو ایوان متقابل (نویی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۰: ۵۹). محور، عامل کانونی کردن فضا در مراکز عبادی است، به‌گونه‌ای که جای خود را در این یکنواختی باز می‌کند: نوعی بی‌محوری در عین محورمندی (فتحی‌آذر و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۶). اولین نظم مشترک در همه مساجد، رعایت جهت قبله در اندام‌های اصلی مساجد است

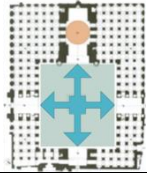
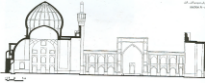

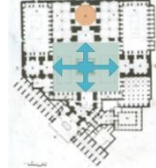


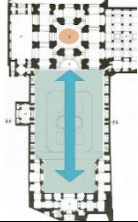
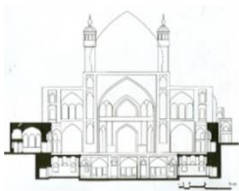

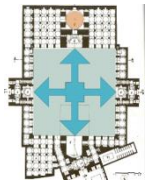


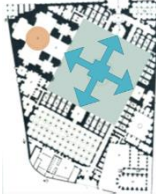


(توکلیان و کازرونی، ۱۳۹۴). در معماری اسلامی این تقدس بخشی بیش از هر چیز به مدد قطبی کردن فضا بر اساس حضور خانه کعبه شکل می‌گیرد (نصر، ۱۳۸۹: ۵۵).


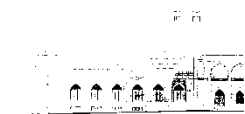

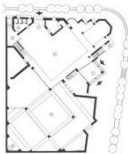
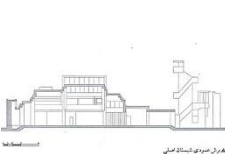

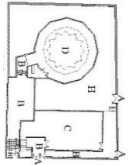


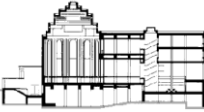





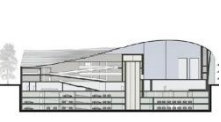

تقارن در بناهای مذهبی می‌تواند ایجاد سکون و تمرکز و توجه و امنیت نماید و از آشفتگی ذهن جلوگیری کند. تقارن در اکثر فضاهای اصلی مساجد دیده می‌شود. تقارن به وجود آورنده نظم ایستا و ادراک بصری هدایت شده است (افشار نادری، ۱۳۷۴: ۷۲). در انتظامی که بر اساس دو محور عمود برهم پدید می‌آید محورها مرکز را می‌سازند و تأکید بر آن را افزایش می‌دهند و مرکز، محورها را معنا و تأیید می‌کند. ظهور محورها یا مرکز جدید نیز باعث نوعی بی‌جهتی در فضا می‌شود (نوابی و قاسمی، ۱۳۹۰: ۶۳). البته برای جلوگیری از گمراهی جهت قبله، ایوان سمت قبله بزرگ‌تر و به گنبدخانه ختم می‌شد و علاوه بر این، عناصر سمت قبله با تزئینات بیشتری مزین می‌شدند. یک بعد دیگر هندسه در مساجد را می‌توان در تزئینات دید که با استفاده از الگوهای هندسی اسلامی به نام «گره» نام صورت می‌گرفت که بهره‌گیری از آن به دلیل روش تجربیدی یا نمادین برای شکل‌دهی تصاویر بود (معماربان، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

اعتبار سنجی نماد در مساجد ایرانی

در بررسی مؤلفه‌های نمادین در مساجد ایرانی مشخص گردید که ویژگی این مؤلفه‌ها ریشه در معماری کهن و حتی قبل از اسلام دارد که در طول زمان ویژگی‌های آن با رعایت حفظ اصول با موازین اسلام و هویت مسجد سازگاری یافته است که ویژگی هر کدام به این صورت می‌باشد که کهن الگوهای ذهن آشنای مسجد (گنبد و ایوان، مناره و صحن و تزئینات)، موقعیت قرارگیری (واقع در هسته مرکزی یا محور اصلی شهر)، قلمرو و سلسله‌مراتب فضایی (درون‌گرایی، حرکت از فضای باز به نیمه بسته و بسته)، و هندسه مسجد (فضای مناسب برای ردیف‌های نمازگذاران، تناسب شبستان با حیاط، مقیاس انسانی و محوربندی کشش به سمت قبله)، محوریت مرکزی (تقارن، تقابل ایوان‌ها، گره «الگوهای هندسی اسلامی») را دارا می‌باشند. مساجد منتخب از بارزترین مساجد هر عصر، بر اساس عملکرد و مقیاس در سطح جامعه‌ای که در آن واقع شدند، هستند. ارزیابی انجام شده در این قسمت بر اساس چهار مؤلفه استخراج شده از بازنمایی در مسجد انجام می‌شود.

جدول ۲. مساجد منتخب. تنظیم: (نگارنده)

دوره	مسجد	پلان	مقطع یا نما	تصویر
تیموری	گوهرشاد، مشهد			
		(حاجی قاسمی، ۱۳۸۳، دفتر ششم)		
صفوی	امام، اصفهان			
		(حاجی قاسمی، ۱۳۷۵، دفتر دوم)		
اقبالری	اکاشن			
		(حاجی قاسمی، ۱۳۸۳، دفتر ششم)		
فاجار	امام تهران			
		(حاجی قاسمی، ۱۳۷۷، دفتر سوم)		
فاجار	شهید مطهری (سپهسالار)			
		(حاجی قاسمی، ۱۳۷۷، دفتر سوم)		

دوره	مسجد	پلان	مقطع یا نما	تصویر
پهلوی ۱۳۲۷-۱۳۳۹ هجری	مسجد اعظم قم			
(آرشیو نگارنده)				
پهلوی ۱۳۴۰	مسجد امیر تهران			
ماخذ: (hamino.ir)				
پهلوی ۱۳۴۱	الجراد تهران			
(حیدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۷)				
پهلوی ۱۳۵۵-۱۳۵۶	الغدیر، تهران			
(عطاریان و همکاران، ۱۳۹۲)				
۱۳۹۰	امام رضا، تهران			
(بیری و قاسمیپور، ۱۳۹۰، www.arel.ir)				
۱۳۸۳-۱۳۹۳	ولیعصر، تهران			
(حمزه‌نژاد و عربی، ۱۳۹۳)				

تطبیق بازنمایی در دوره‌های مورد مطالعه

فضای کالبدی هر بنای معماری بازتاب‌دهنده تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های آن جامعه می‌باشد. مساجد ایرانی نیز به عنوان یک محصول اجتماعی و فرهنگی در طول زمان تکامل یافته و به یک نوع معماری با هویت تعریف شده که بسیاری از عناصر معماری قبل از اسلام را به همراه داشت در قالب عناصر آشنای ذهن به مساجد ورود کردند و به همراه سایر مؤلفه‌های نماد و نشانه‌ای که شامل موقعیت قرارگیری، سلسله‌مراتب و درون‌گرایی و هندسه مسجد است. با بررسی مساجد، این نتیجه بدست آمد که فرایند معماری مساجد در دو دوره «سنت» و «تکثرگرایی» جای می‌گیرند که معماری مساجد در دوره سنت با کاملاً مؤلفه‌های بازنمایی مساجد مطابقت داشت، اما همان‌طور که تکثرگرایی یکی از خصیصه‌های عصر حاضر است، می‌توان مشاهده نمود که تغییر کنش از گفتمان سنتی به گفتمان سکولار بر معماری مساجد بعد از خود تأثیرگذار بوده است و یک دوره تکثرگرایی در معماری مساجد شکل داده است. هرچند که در دوره تکثرگرایی در تعدادی از مساجد مانند «الغدیر» تلاش شد تا با حفظ بعضی وجوه نمادین (گنبد) معماری مسجد را معاصرسازی کنند، اما این تلاش در بردارنده تمامی وجوه نمادین مسجد نبود و حلقه تکامل معماری مساجد گسسته شد که در آن عناصر نشانه‌ای مانند گنبد، ایوان، صحن، مناره از معماری مسجد کنار گذاشته شدند و همچنین موقعیت قرارگیری مساجد نسبت به گذشته که در محور اصلی شهر بود، تغییر یافت. علاوه بر این به لحاظ قلمرو و سلسله‌مراتب، مساجد، درون‌گرایی را کنار گذاشتند و نمودی فرمی یافتند که سلسله‌مراتب دسترسی و فضایی در آن کنار گذاشته شد. به این دلیل هندسه ساختاری در مساجد معاصر متحول شد و فضای منسجم، محوربندی، کشش به سمت قبله، تقارن، تقابل ایوان‌ها، تناسب شبستان با حیاط و مقیاس انسانی مانند مساجد گذشته مورد توجه قرار نگرفت. البته با اضافه کردن عناصر نشانه‌ای به ساختمان بعضی از مساجد، می‌توان یک دوره «بازگشت» را نیز در معماری مساجد پیش‌بینی کرد.

جدول ۳. اعتبار سنجی تطبیقی نماد در مساجد ایرانی. ماخذ: (نگارنده).

دوره	سنت‌گرایی										تکثر‌گرایی			
	گوه‌ر شاد، مشهد	امام، اصفهان	آقا بزرگ، کاشان	امام، تهران	سیه‌سالار، تهران	اعظم، قم	الامیر، تهران	الجود، تهران	العذیر، تهران	ولیعصر، تهران	امام رضا، تهران	موقعیت قرارگیری	قلمرو و سلسله مراتب	هندسه ساختاری مسجد
گنبد	+	+	+	+	+	+	-	-	+	-	هسته مرکزی یا محور اصلی شهر			
ایوان	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-				
صحن	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-				
مناره	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-				
تزئینات	+	+	+	+	+	+	-	-	+	+				
حرکت از فضای باز، نیمه باز تا بسته	+	+	+	+	+	+	-	-	+	-	هندسه ساختاری مسجد	محوربندی		
فضای منسجم	+	+	+	+	+	+	-	-	-	+		کشش بسمت قبله		
محوربندی	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-		تقارن		
کشش بسمت قبله	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-		تقابل ایوان‌ها		
تقارن	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-		تناسب شبستان با حیاط		
تقابل ایوان‌ها	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-		مقیاس انسانی		
تناسب شبستان با حیاط	+	+	+	+	+	+	-	-	-	+		گره		
مقیاس انسانی	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-				
گره	+	+	+	+	+	+	-	-	-	-				

هدف و نتیجه این پژوهش در این بود که تأکید کند که مساجد نباید تکامل پیدا کنند، اما از آنجایی که کنش و بازنمایی تأثیر متقابل با یکدیگر دارند و کنش (رفتار) اجتماعی حاصل بازنمایی (درک مفاهیم) الگوهای تاریخی هست که در قالب نماد تجسم پیدا می‌کند و به

رفتارهای اجتماعی شکل می‌دهند. مسجد نیز به عنوان یک پایگاه عبادی و اجتماعی باید پیرو اصول و معماری تداوم یافته خود باشند تا خود را به عنوان یک محصول مذهبی و فرهنگی به مخاطب خود بشناساند و به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه اجتماعی برای بسترسازی امت واحده به رفتار اجتماعی کاربرانش شکل دهد و مانند مساجد دوران سنت که از دوره «تیموریان» تا «پهلوی» در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، در عین تکامل پیرو اصول و معماری تداوم یافته خودشان باشند.

نتیجه‌گیری

نمادهای مساجد، مجموعه‌ای از کنش‌های فرهنگی است که از طریق بازنمایی در کالبد، مفاهیم را منتقل می‌کند. دو مؤلفه کنش و بازنمایی بواسطه ایجاد نماد با یکدیگر رابطه متقابل دارند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. بدین صورت که انسان بر اساس معنا، نمادها را می‌سازد و این نمادها شبکه‌ای از معناها را برای او ایجاد می‌کنند که به کنش‌های انسان شکل می‌دهد. شکل‌گیری نماد در معماری باعث ایجاد هویت، قلمرو فرهنگی و بازتاب فرهنگ، تاریخ و ارزش در یک سرزمین می‌شود. کنش‌های مساجد را می‌توان در چهار دوره سنتی، سکولار، انقلابی و انتقادی تقسیم کرد که کنش‌های دوره سنت پایه و اساس تمامی دوره‌های بعدی بوده است که مسجد به‌عنوان یک نهاد فرهنگی - مذهبی، نقش اجتماعی - نیایشی را داشته است. حال، از آنجا مسجد به عنوان یک نهاد فرهنگی - مذهبی باید بتواند بسترساز وحدت اجتماعی باشد، لازم است که دارای بازنمایی یکسانی در یک بستر فرهنگی باشد، تا بتواند از طریق آن معانی مشخصی را به ذهن مخاطبانش انتقال دهد و در نتیجه به کنش اجتماعی مشخصی شکل دهد.

بر اساس کنش‌های که در مسجد اتفاق می‌افتد، مؤلفه‌های بازنمایی در مساجد را می‌توان در دو شاخه هویت و معنا، و ساختار مورد بررسی قرار داد. این شاخه‌ها دارای ریزمؤلفه‌هایی با ویژگی خاص خود می‌باشند که شامل کهن الگو ذهن آشنای مسجد (گنبد، ایوان، تزئینات، مناره و صحن)، موقعیت قرارگیری (واقع در هسته مرکزی یا محورهای اصلی شهر)، قلمرو و سلسله‌مراتب (درون‌گرایی، حرکت از فضای باز به نیمه‌باز و بسته)، هندسه ساختاری مسجد (فضای منسجم، تناسب با حیاط، مقیاس انسانی و محوربندی جهت‌دار و مرکزی (تقارن و تقابل ایوان‌ها و گره) می‌باشد.

در ارزیابی انجام شده از مساجد دو دوره، مساجد دوره سنت کاملاً با این مؤلفه و ویژگی آنها سازگاری داشته‌اند. اما در ارزیابی مساجد دوره تکثرگرایی مشخص شد، با آنکه در برخی موارد تلاش شد تا برخی وجوه مسجد در دل آن گنجانده شود، اما پرداختن به این وجوه بسیار اندک بود و به سبب این حلقه تکامل معماری نمادین مسجد گسسته شد. علاوه بر نیازی که برای بازنمایی یکسان مسجد در رابطه با پاسخگویی به کنش اجتماعی وجود دارد، از آنجا که فضای کالبدی مساجد ریشه در تاریخ و فرهنگ دارد که تکامل‌یافته یک بستر تاریخی و یکی از بارزترین وجوه فرهنگی هویتی در جامعه اسلامی می‌باشند، از این رو قابل توجه است تا به این ویژگی‌ها در طراحی مساجد معاصر مورد تامل قرار بگیرند.

- اردلان، نادر؛ و بختیار، لاله (۱۳۸۰) حس وحدت. ترجمه حمید شاهرخ، تهران: نشر خاک.
- الاسعد، احمد (۱۳۷۶) «کاربرد هندسه در معماری مسجد»، ترجمه سعید سعیدپور، نشریه هنر، شماره ۳۳.
- اشراقی، نسیم (۱۳۹۸) «بازشناسی ساختار مساجد ایرانی در مقایسه با سایر مساجد جهان اسلام با تکیه بر مفهوم کمال‌گرایی (توحید) در نماد چلیپا»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴.
- افشار نادری، کامران (۱۳۷۴). «همنشینی اضداد در معماری ایرانی»، مجله آبادی، شماره ۱۹.
- افضل طوسی، عفت السادات و حسنپور، مریم (۱۳۹۱) «نقش نمادهای آیینی و دینی در نشانه‌های بصری گرافیک معاصر ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سیزدهم، شماره ۱.
- اکبری، فاطمه و تقی پورنامداریان و علی اصغر شیرازی و آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۹) «معرفت روحانی و رمزهای هندسی، پژوهشگاه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)»، سال چهارم شماره اول، پیاپی ۱۳-۲۲-۱.
- اهری، زهرا (۱۳۹۵) «تاملی بر مفهوم ساختار و چگونگی شناسایی آن در شهر ایرانی پیش از دوران مدرن»، فیروزه اسلام، سال دوم، شماره دو.
- ایمان طلب، حامد و گرامی، سمیه (۱۳۹۱) «نسبت معنا و شکل، تطابق اندیشه معماری مسجد و فرم‌شناسی نماز»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۶.
- آزادی، مصطفی و تقی‌پور، ملیحه (۱۳۹۶) «مقایسه‌ی ساختار فضایی-عملکردی مسجد امام و مسجد وکیل شیراز»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال پنجم، شماره چهاردهم.
- آشنا، حسام‌الدین و روحانی، محمدرضا (۱۳۸۹) «هویت فرهنگی ایرانیان؛ از رویکرد نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۴.
- برک، پیتر. (۱۳۸۹) تاریخ فرهنگی چیست، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: انتشارات تاریخ اسلام.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۶) پارادایم‌های تحقیق اجتماعی در علوم انسانی، ترجمه سید حمیدرضا حسنی، محمد تقی ایمان و مسعود ماجدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بمانیان، محمدرضا و سیلواپه، سونیا (۱۳۹۱) «بررسی نقش گنبد در شکل‌دهی به مرکزیت معماری مسجد»، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۹.
- بمانیان، محمدرضا و امینی، معصومه (۱۳۹۰) «بررسی شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری تعادل در معماری مسلمانان (نمونه موردی: مسجد جامع اصفهان)»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره پنجم.
- بیری، سعیدرضا و قاسم، سمانه (۱۳۹۰) <https://www.arel.ir/fa/News-View-3974.html> تاریخ ارجاع: ۱۳۹۹/۰۵/۰۷.

پوپ، آرتور (۱۳۸۸) معماری ایران. ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: اختران.
پورجعفر، محمدرضا (۱۳۷۶) «نقش و جایگاه مسجد در برنامه‌ریزی و طراحی محله‌های شهر اسلامی»، اصفهان، همایش معماری مسجد، گذشته، حال، آینده.

پوردیمی، شهرام (۱۳۹۴) منظر انسانی در محیط مسکونی. تهران: نشر آرمانشهر.
تقوایی، ویدا (۱۳۸۶) «نظام فضایی پنهان ایرانی و ساختار آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۰، ص ۴۳-۵۲.
توکلیان، زهرا و بهمنی کازرونی، سارا (۱۳۹۴) «بررسی چگونگی انتظام شبستان در مساجد تاریخی شیراز»، پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۸.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱) مفاتیح الحیات. تنظیم: محمد حسین فلاح‌زاده، یدالله مقدسی، محمود لطیفی و جعفر آیانی، قم، مرکز نشر اسراء.

حاتمیان، محمدجعفر و جواد نیستانی و سید مهدی کوهپر و حاتم، غلامعلی (۱۳۹۱) «تحلیل چگونگی استمرار معماری چهار طاقی از دوره ساسانی به اسلامی در ایران با تکیه بر روش نقد کهن الگویی»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۴، شماره ۲.

حاجی قاسمی، کامبیز (مجموعه مولفان) (۱۳۷۳) گنجنامه: فرهنگ آثار معماری ایران؛ دفتر سوم، ابنیه مذهبی تهران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

حاجی قاسمی، کامبیز (مجموعه مولفان) (۱۳۷۵) گنجنامه: فرهنگ آثار معماری ایران؛ دفتر دوم، مساجد اصفهان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

حاجی قاسمی، کامبیز (مجموعه مولفان) (۱۳۸۳) گنجنامه: فرهنگ آثار معماری ایران؛ دفتر شش، مساجد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

حاجی‌ابراهیم‌زرگر، اکبر و حمید ندیمی و مختارشاهی، رافونه (۱۳۸۶) راهنمای معماری مساجد. تهران: دید.
حبیبی، سید محسن، اهری، زهرا. (۱۳۷۷). «معماری شهری مسجد در مکتب اصفهان دست‌ورزبان و واژگان» صفه (1-2)، ص: ۲۲-۳۷

حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۶۸) صحیفه نور-جلد ۱۵. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
حمزه‌نژاد، مهدی و عربی، مانده (۱۳۹۳) «بررسی اصالت اسلامی ایرانی در مساجد نوگرای معاصر؛ مطالعه موردی مسجد چهار راه ولی عصر (عج) تهران»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۵.
حناچی، پیروز؛ محمود پورسراجیان (۱۳۹۱). احیای بافت شهری تاریخی با رویکرد مشارکت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حیدری، علی‌اکبر و یعقوب پیوسته‌گر و کیانی، مریم (۱۳۹۶) «بررسی نقش حیاط در ارتقای راندمان عملکردی مساجد با استفاده از روش چیدمان فضا»، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۲۲، شماره ۳، ص ۹۱-۱۰۴.

خالقیان، سمیه و سودابه ادیب‌زاده و سعدوندی، مهدی (۱۴۰۰) «عوامل فرهنگی-اجتماعی تأثیرگذار بر مانایی مسجد جامع عتیق اصفهان». نشریه علمی باغ نظر، ۱۸ (۹۴).

دانشپور، سید عبدالهادی و چرخیان، مریم (۱۳۸۶) «فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی»، باغ نظر ۴ (۷).

رحیمی اتانی، سمیرا و کاوه بذرافکن و رئیسی، ایمان (۱۳۹۹) «بازخوانی اثر معماری به کمک نقد بینامتنی؛ نمونه موردی: مسجد ولیعصر»، نشریه علمی باغ نظر، ۱۷ (۸۳).

سجادزاده، حسن؛ ماندانا یوسفی و یوسفی، محمد (۱۳۹۵) «ارزیابی مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری در کیفیت بخشی به مساجد محلی ایران (نمونه موردی موردی: مسجد چمن چوپانان، مسجد شالبافان و مسجد کولانج شهر همدان)»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره دهم، سال چهارم.

سلطانی فرد، هادی و سید مرادی، زهره سادات (۱۳۹۵) «دگرگونی جایگاه مسجد جامع در پیکره‌بندی فضایی شهر اسلامی؛ مورد مطالعه: مسجد جامع شهر سبزوار»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال چهارم، شماره یازدهم.

سلطانی، مهراداد، سید امیر منصوری و احمد علی، فرزین (۱۳۹۱) «تطبیق نقش الگو و مفاهیم نسبتی بر تجربه فضای معماری»، باغ نظر، دوره ۹، شماره ۲۱.

سلمانی، امیر و محمد حسین رحیمی و خاک زند، مهدی (۱۳۹۴) «بررسی اهمیت و اولویت و اصالت فضای باز در مسجد»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال سوم، شماره نهم.

شارتیه، روزه (۱۳۷۷) «تاریخ فرهنگی؛ رابطه فلسفه و تاریخ»، ترجمه حسین علی نودری، تاریخ معاصر ایران، شماره ۶، ص ۱۱۰-۱۳۰.

شفیعیان داریانی، فائزه و محمدرضا پورجعفر و قبادی، علیرضا (۱۳۹۳) «مفهوم ماندگاری در معماری اسلامی و مقایسه آن با مفهوم پایداری در معماری معاصر»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره پنجم.

شهیدی مارتانی، نازنین و قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۹۲) «رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران»، مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ. سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۱۰۷-۸۷.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۵) «هویت‌های فرهنگی قدیم و جدید: رمزگشایی تمدنی و معماری سنتی- مدرن و ملی فرا ملی مهستان»، نامه صادق، شماره ۳۰.

عطاریان، کوروش و کورش مومنی و هادی صادقی و زند، اکبر (۱۳۹۲) «بازشناسی معماری مسجد الغدیر تهران»، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار-تهران- اسفندماه.

فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۶) «فرز و فرودهای تاریخ نگاری فرهنگی»، کتاب ماه؛ تاریخ و جغرافیا، تیرماه.

فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۷) «مسجد و مدرنیت؛ مروری تحلیلی و جامعه شناختی به گفتمان‌های مسجد در ایران»، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۱.

فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۳) تاریخ فرهنگی ایران مدرن. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فتحی آذر، سحر و حمزه‌نژاد، مهدی (۱۳۹۳) «معناشناسی محور در مسجد و کلیسا»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره هفدهم.

فلاح، محمد صادق و نوحی، سمیرا (۱۳۹۱) «ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری»، هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۱.

فیاض، ابراهیم و حسین سرفراز و احمدی، علی (۱۳۹۰) «نشانه‌شناسی چشم‌اندازهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی؛ راهبردی مفهومی برای فهم و کشف معنا»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۴.

کرایب، یان (۱۳۸۲) نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: آگه.

کریمی، نازنین و دادور، ابوالقاسم (۱۳۹۹) «تحلیل عناصر معماری مسجد امام اصفهان بر پایه نظریه نشانه‌شناسی امبرتو اکو»، نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۱۷ (۳۹).

کیانی، مصطفی و اشکان بهجو و نوشین طهرانی، راسیتان (۱۳۹۴) «بررسی میزان تاثیرپذیری معماری معاصر ایران از غرب و معماری ایرانی»، فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان، شماره ۳-۵.

لینچ، کوین (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی. تهران: دانشگاه تهران.

ماجدی، حمید و سعیده زرآبادی، زهرا السادات (۱۳۸۹). جستاری در نشانه‌شناسی شهری، آرمانشهر، شماره ۴.

متدین، حشمت‌الله (۱۳۸۶). «چهاراقتی گنبددار نقه عطف مساجد ایرانی». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۱-۳۹-۴۶.

مرتضی، هشام (۱۳۸۷). اصول ساخت و ساز سنتی در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

مزینی، منوچهر (۱۳۸۱) «فرهنگ و زیبایی‌شناسی شهری»، فرهنگ عمومی، شماره ۷.

مصلح، علی اصغر (۱۳۹۳). فلسفه فرهنگ، تهران: نشر علمی.

معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴). سیری در مبانی نظری معماری، تهران: سروش دانش.

منان رئیس، محمد و نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۳) «ارزیابی هندسی فضای مساجد معاصر تهران با استفاده از تحلیل مضمونی متون دینی»، پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره چهارم.

مهدوی‌نژاد، محمدجواد و مشایخی، محمد (۱۳۸۹) «بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی و اجتماعی»، فصلنامه آرمانشهر، دوره ۳، شماره ۵.

مهدی‌نژاد، جمال‌الدین و حمیدرضا عظمتی و صادقی حبیب‌آباد، علی (۱۳۹۸) «بررسی ساختار مساجد سنتی، معاصر و پس از انقلاب اسلامی با روش نحو فضا (نمونه مورد مطالعه: مسجد جامع اصفهان، مسجد دانشگاه تهران: مسجد الغدیر، مسجد شهرک غرب)»، فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران، سال دهم، شماره بیست و دوم.

مهدی‌نژاد، جمال‌الدین و حمیدرضا عظمتی و صادقی حبیب‌آباد، علی (۱۳۹۸) «تیبین راهبردی مؤلفه‌های حس معنوی در معماری مساجد ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال بیستم، شماره ۲.

مهدی‌نژاد، جمال‌الدین و حمیدرضا عظمتی و صادقی حبیب‌آباد، علی (۱۳۹۷)، الف. «رتبه‌بندی شاخص‌های آرامش معنوی در معماری مساجد سنتی بر ادراک «حس معنویت» با بهره‌گیری از روش VIKOR»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های هستی‌شناختی، سال هفتم، شماره ۱۴.

مهوش، محمد و مرادپور، رضا (۱۳۹۵) «در جستجوی تصویر کالبدی مسجد مطلوب در پنداشت‌های ذهنی جامعه: نمونه موردی: شهر بجنورد، خراسان شمالی»، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۱۷.

ناظر، زینب و آرزیتا بلالی اسکویی و کی‌نژاد، محمدعلی (۱۳۹۵) «ارزیابی شفافیت معنایی گنبد‌ها در مساجد با تاکید بر عملکرد روشنایی فضایی»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال چهارم، شماره دوازدهم.

نژاد ابرهیمی، احد و مینو قره‌بگلو و فرشچیان، امیرحسین (۱۳۹۵) «مبانی شکل‌گیری مکان تعاملات اجتماعی از منظر اندیشه اسلامی»، فیروزه اسلام؛ پژوهش معماری و شهرسازی اسلامی، سال دوم، شماره ۳.

نژاد ابرهیمی، احد و مینو قره‌بگلو و وفایی، سید مسعود (۱۳۹۷) «عوامل مؤثر بر ارتباط و نشانه‌شناسی در معماری (مطالعه موردی: مسجد کبود تبریز)»، جاویدان خرد، شماره ۳۴، صفحات: ۱۷۹-۲۰۲.

نصر، سید حسین (۱۳۶۶). علم در اسلام. ترجمه احمد آرام. تهران: سروش.

نصر، سید حسین (۱۳۷۳). سنت اسلامی در معماری ایرانی. مجموعه مقالات جاودانگی و هنر. ترجمه سید محمد آوینی، تهران: نشر برگ.

نصر، سید حسین (۱۳۸۹). هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: انتشارات حکمت.

نظیف، حسن (۱۳۹۲) «پایداری معماری ایرانی در گذار از دوران اسلامی»، باغ نظر، سال دهم، شماره ۲۴.

نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۴). تعامل ادراکی انسان با ایده‌های فضایی-هندسی در معماری، قم، امیرکبیر، شهرداری قم.

نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۲) «جایگاه مسجد در طراحی شهری»، کتاب ماه هنر (۱۷۹): ۲۰-۳۸.
نوایی، کامبیز و حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۹۰). خشت و خیال؛ شرح معماری اسلامی ایران، تهران:
سروش.

هال، استوارت (۱۳۹۱). معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
هیلن براند، روبرت (۱۳۸۹). معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی. تهران: روزنه.

Alice Sabrina Ismail (2018) Representation of National Identity in Malaysian State Mosque Built Form as a Socio- cultural Product. INTERNATIONAL JOURNAL OF BUILT ENVIRONMENT AND SUSTAINABILITY, 5 (1),PP.21-32.

Allahham, Abeer (2019) Metamorphosis of mosque semiotics: From sacred to secular power metaphorism—the case of state mosques, Archnet-IJAR: International Journal of Architectural Research, Vol. 13 Issue: 1, pp.204-217, <https://doi.org/10.1108./ARCH-0001-2018-11>.

Farrag, Engy (2017) Architecture of mosques and Islamic centers in Non-Muslim context. Alexandria Engineering Journal (2017) 56, PP. 613-620, <https://doi.org/10.1016/J.AEJ.2017,08,001>.

تاریخ ارجاع ۰۶/۱۰/۴۴۴۹۹/۱۰/۰۶ <https://hamino.ir/post/44499/10/06>

Jones, Paul (2020) Architecture, Time, and Cultural Politics, Cultural Sociology, Vol. 14(1), <https://doi.org/10.1177%2F1749975520905416>.

Majerska-Palubicka, Beata (2020) Architecture vs. Globalization, IOP Conf. Series: Materials Science and Engineering 960 (2020) 022078, doi:10.1088/1757-899X/960/2/022078.